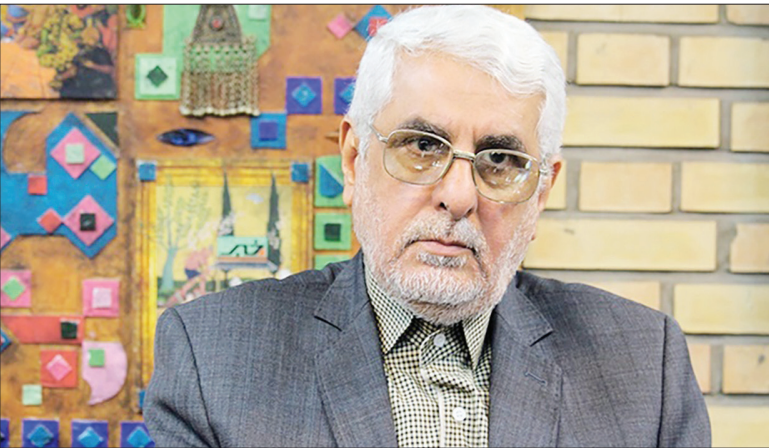


فلسطینی‌ها درس گرفته‌اند به سران عرب اعتماد نکنند

هانی زاده می‌گوید تجربه گذشته فلسطینی‌ها را مجبور کرده نگاه خود به مبارزه را تغییر دهند و نامه رهبر انقلاب ایده‌ای برای مبارزه با جبهه جدید دشمن یعنی اتحاد اسرائیل و آمریکا با عربستان، امارات و بحرین است



گفت‌وگو

اواخر دی ماه سال گذشته بود که اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به ابعاد توطئه بزرگ استکبار علیه قدس و ملت فلسطین با هدف سرنگون کردن غزه به‌عنوان قلعه مقاومت و پایان دادن به مبارزه علیه رژیم اشغالگر و عادی سازی روابط حکام وابسته منطقه با آن، از حمایت‌های ملت ایران و هدایت‌های رهبر انقلاب اسلامی از جنبش مقاومت قدردانی کرد و نوشت: «ما با شروع انتفاضه خروشان مردمی در داخل کرانه باختری و قدس، به اذن خداوند توطئه طاغوت عصر (ترامپ) و حاکمان نفاق در پایتخت‌های دور و نزدیک را در پایان دادن به مساله فلسطین، خنثی خواهیم کرد.»

حالا بیش از دو ماه از آن نامه‌نگاری می‌گذرد و خبرآمده اسماعیل هنیه پاسخ نامه‌اش را گرفته. نامه‌ای که نگارنده‌اش کسی نیست جز مخاطب نامه دوماه پیش هنیه. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای یبار دیگر تاکید کرده‌اند که مبارزه و مقاومت تنها راه نجات فلسطین مظلوم است و حرکت به سمت مذاکره با رژیم صهیونیستی، خطایی نابخشودنی است که پیروزی ملت فلسطین را به عقب می‌اندازد و جز خسران نتیجه‌ای ندارد. در این رابطه دکتر حسن هانی زاده، کارشناس مسائل منطقه به «فرهیختگان» گفت: «نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ به اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، نقشه راه جدیدی برای ملت فلسطین و جنبش‌های جهادی فلسطین تلقی می‌شود. به اعتبار اینکه تجربه ۷۰ سال گذشته از زمان تاسیس رژیم صهیونیستی تا کنون ثابت کرده است که رژیم صهیونیستی تحت هیچ شرایطی مایل نیست از گذر مذاکرات سیاسی به حقوق مشروع ملت فلسطین اعتراف کند.»

وی افزود: «از سال ۱۹۹۳، از زمان امضای توافقنامه اسلو تا کنون حدود ۲۵ سال می‌گذرد و مذاکرات فشرده و طولانی بین تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی با نظارت آمریکا انجام شده است اما این مذاکرات هیچ دستاوردی برای ملت فلسطین به همراه نداشته است. هانی زاده ادامه داد: «دلیل این امر آن است که رژیم صهیونیستی از رهگذر طولانی کردن روند مذاکرات سعی دارد ملت فلسطین را تضعیف کند و افکار عمومی را با روند مذاکرات طولانی

و بیپهوه فریب دهد. لذا بعد از سال‌ها مذاکره بین تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی ما شاهد بودیم در سال ۲۰۰۴ رژیم صهیونیستی عرفات، رئیس سابق تشکیلات خودگردان را به طرز مرموزی به قتل رساند و اکنون بعد از سال‌ها تشکیلات خودگردان به این نتیجه رسیده است که ادامه مذاکرات با رژیم صهیونیستی هیچ گونه نتیجه‌ای نخواهد داشت و تنها راهکاری که باقی می‌ماند طراحی استراتژی مبارزاتی بین جنبش‌های جهادی برای احقاق حقوق ملت فلسطین و تقابل با رژیم صهیونیستی است و این در حقیقت سر فصل مهم نامه جوابیه رهبر معظم انقلاب به رئیس دفتر سیاسی حماس است که می‌تواند به عنوان قطب‌نمای حرکت مبارزاتی ملت فلسطین تلقی شود.»

این تحلیلگر مسائل جهان عرب یادآور شد که «موضوع به اینجا منتهی نمی‌شود. الان مشکل دیگری که فرا روی ملت فلسطین وجود دارد همراهی عربستان، امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی است. به این مفهوم که الان جبهه گسترده‌ای با هم‌پیمانی آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان، بحرین و امارات علیه ملت فلسطین تشکیل شده است و این موضوع کار تقابل جنبش‌های جهادی و ملت فلسطین با اسرائیل را دشوارتر خواهد کرد.»

وی با اشاره به تحركات اخیر محمدبن سلمان، ولیعهد عربستان جهت عادی سازی رابطه با رژیم اشغالگر قدس گفت: «محمدبن سلمان در جریان سفر به آمریکا و دیدار با رهبران اسرائیل یا رهبران لابی صهیونیستی در نیویورک وعده داد تمام امکانات خود را برای برقراری رابطه بین اعراب و اسرائیل به کار گیرد. همچنین ولیعهد عربستان در طول سه سال گذشته، دو بار به اراضی اشغالی سفر و با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و مسئولان این رژیم دیدار و گفت‌وگو کرده است. ضمن آنکه عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان، چهار بار به فلسطین اشغالی مسافرت کرد و دیدارهایی با مقامات اسرائیل داشت. لذا باید گفت هم‌اینک رابطه عربستان با اسرائیل علیه ملت فلسطین و کشورهای اسلامی آشکارتر شده و به‌طور مشخص ماموریت او این است که جبهه عربی-عربی علیه جمهوری اسلامی و محور مقاومت ایجاد کند.»

هانی زاده تصریح کرد: «با درنظر داشتن این واقعیت حماس و جهاد اسلامی و جنبش‌های مبارز فلسطینی باید تکلیف خود را در رابطه با عربستان مشخص کنند و از دایره عربی خارج

و ی در ادامه با اشاره به تقارن زمانی نامه‌نگاری رهبر انقلاب با تلاش‌های بن‌سلمان جهت عادی سازی رابطه با اسرائیل گفت: «آقای اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس با توجه به شرایط موجود و خطراتی که الان ملت فلسطین را تهدید می‌کند به مقام معظم رهبری نامه نوشته و اینک با ارسال پاسخ آن نامه از سوی رهبر انقلاب، فصل جدیدی از روابط جنبش‌های جهادی فلسطین و محور مقاومت آغاز شده و با توجه به اینکه تشکیلات خودگردان به کلی دچار انزوا شده است، اکنون ملت فلسطین به این نتیجه رسیده‌اند که عربستان دشمن اصلی فلسطین بوده برای خارج کردن مساله فلسطین از حاشیه و وارد کردن آن به متن تحولات باید به جمهوری اسلامی ایران متوسل شوند تا به کمک آن بتوانند اراضی خود را آزاد کنند.»

هانی زاده یادآور شد: «اخیرا محمد بن سلمان پیشهاد معامله قرن را به تشکیلات خودگردان ارائه داد و اعلام کرد در مقابل عقب‌نشینی فلسطینی‌ها در بیت المقدس به عنوان پایتخت فلسطین، تا ۱۰ سال، سالانه ۱۰ میلیون دلار و در طول سال‌های آینده ۱۰۰ میلیون دلار کمک مالی در اختیار تشکیلات خودگردان قرار خواهد داد؛ مشروط بر اینکه ملت فلسطین از بیت المقدس چشم‌پوشی کند. لذا این خطری جدی است که آینده بیت المقدس و فلسطین را تهدید می‌کند و رهبر معظم انقلاب به خوبی به این مساله واقف هستند.»

این کارشناس مسائل منطقه همچنین درباره تقویت مناسبات حماس و جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های گذشته خاطرنشان کرد: «جنبش حماس در طول سال‌های اخیر دچار نوعی پارادوکس سیاسی شده و موضعی اتخاذ کرده که موجب شده فاصله خود را با محور مقاومت افزایش دهد؛ اما اکنون با موضع گیری‌های محمدبن سلمان مبنی بر اینکه عربستان و رژیم صهیونیستی هیچ مشکلی با هم ندارند، اسماعیل هنیه سعی دارد پل‌های شکسته شده بین محور مقاومت و حماس و جهاد اسلامی را ترمیم کند تا جبهه بزرگی از محور مقاومت در مقابل جبهه عربی-عربی تشکیل شود. لذا با توجه به اینکه طی دو هفته اخیر رژیم صهیونیستی در سایه سکوت جامعه جهانی و به‌ویژه کشورهای عربی، تظاهرات مردم فلسطینی را در روز بارگشت به سرزمین‌های خود به خاک و خون کشیده و بیش از ۲۰ نفر را شهید و ۱۵۰۰ نفر را مجروح ساخته، طبیعی است که حماس بیش از همیشه به سمت ایران متمایل باشد.»



محمد زعیم زاده

چانشین سردبیر



گزارش

در هندسه اقلیدسی هیچ گاه دو خط موازی به هم نمی‌رسند اما در اواخر قرن نوزدهم لبا چسفسکی و ریمان هندسه را از انحصار اقلیدس خارج و بنایی را در هندسه پایه‌ریزی کردند که دیگر خطوط موازی هم به هم می‌رسند یعنی اصلا خطوط راست نیستند که موازی بودن یا نبودن شان مساله باشد، همه خطوط انحنا دارند و به اقتضا خم و راست می‌شوند و می‌چرخند. این وسط معلوم نیست اشکال از خط است یا از فضا، اما دیگر نمی‌توان خیلی قطعی در مورد قضیه‌ای صحبت کرد و حتی نباید از هیچ گزاره خردگریز و عقل‌ستیزی متعجب بود.

هندسه فضای سیاسی ایران هم مدتی است که ناقلیدسی شده. برای تحلیل فضا باید بدانی که برای عده‌ای مهم‌ترین اصل، بی‌اصلی است. شاید اگر مثلا ۱۰ سال قبل به کسی می‌گفتید خبری شنیده‌ام که عده‌ای نامه‌ای نوشته‌اند و ایده‌های احمدی‌نژاد را به‌عنوان بهشت موعود تصویر کرده‌اند و این نامه مورد استقبال بی‌بی‌سی فارسی و مصطفی تاجزاده و... قرار گرفته احتمالا از شما تست الکل می‌گرفتند اما حالا باید باور کنید که در عصر بی‌اصلتی سیاست، می‌توان چنین خبرهایی را هم شنید. نامه امضا شده توسط ۳۰۰ فعال سابق دانشجویی-که البته توسط تعدادی از آنها تکذیب شده است- تقریبا حرف جدیدی ندارد، منظم و مرتب شده همان سخنان محمود احمدی‌نژاد است که از زمان مواجهه قوه قضائیه با نزدیکانش بارها گفته و نوشته و حالا سعی شده بدنه حامی هم برای آنها ارائه شود، این وسط اما به نظر می‌رسد فرا متن این نامه، نکات قابل تاملی داشته باشد.

نکته اول این است که امروز دو جریان هستند که سعی در القای یک فضای واحد به جامعه دارند، پیش فرض این دو جریان هم این است که اعتراضات دی‌ماه بستر امتیازگیری از حاکمیت را فراهم آورده است و می‌توان با ابزار فشار اجتماعی و رسانه‌ای منویات سیاسی را پیگیری کرد؛ اصلاح طلبان رادیکال و حامیان محمود احمدی‌نژاد، نمادهای اصلی این دو جریان هستند.

نکته دوم اینکه اگر فکر می‌کنید فرصت طلبی تنها ویژگی مشترک این دو جریان است اشتباه می‌کنید، ویژگی مشترک بعدی این دو جریان اخلاق در دستگاه محاسباتی است. این اخلاق در تخمین وضع موجود و نگرش مردم به حاکمیت آغاز می‌شود و در تخمین اوضاع خود این جریان‌ها در افکار عمومی ادامه پیدا می‌کند. عقلانی این دو جریان احتمالا به‌خاطر دارند از این جنس تحلیل‌ها که هم در نامه مذکور آمده و هم در روایت‌های روزانه طیف تاجزاده دیده می‌شود تقریبا از اول انقلاب هم ارائه می‌شده، روزی توسط توده‌ای‌ها و بنی‌صدری‌ها و روزی به‌وسیله نهضت آزادی‌چی‌ها و... دوستانی که نامه‌شان ۱۵ بهمن همزمان با تحلیل نهضت آزادی منتشر شد، خوب است این هم‌زمانی را به فال نیک بگیرند و ببینند کهنه‌سواران

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های سیاست

دو خط موازی حامیان محمود احمدی‌نژاد و اصلاح طلبان رادیکال به هم رسیدند

شب ۲۲ بهمن ساواکی نشوید



مناظره محمود احمدی‌نژاد و مصطفی تاجزاده در سال ۷۸

نکته چهارم اشتراک در روش است، هر دوی این جریان‌ها برای پیش‌بردن هدف سیاسی، اسب رادیکالیسم را زین کرده‌اند و بر طبل تند کردن فضا می‌زنند، روش و طریقی که ایده‌ای تکراری برای کنشگری سیاسی است.

نکته پنجم اشتراک این است که گویا هیچ کدام از این دو جریان نمی‌خواهند از تجربیات قبل درس بگیرند، مسیری که عده‌ای امروز ترسیم کرده‌اند و برایش با ادبیات‌های مختلف نسخه می‌پیچند یک‌بار توسط جریان اصلاحات در دوره دوم خرداد تجربه شده است آن هم در شرایطی که هم حاکمیت در موضع اقتدار کنونی نبود و هم ابزارها برای فشار بیشتر وسیع‌تر و متنوع‌تر بود و هم تجربه خطای راهبردی ۸۸ در کار نبود، اما حتی در آن شرایط هم در درازمدت برای بقای سیاسی نتیجه‌ای جز گردش به راست و مستمسک شدن به حسن روحانی و علی لاریجانی در پی نداشت.

نکته ششم این است که هر دوی این جریان‌ها در گفتگمانی که سعی کرده‌اند برای خود انحصاری تبلیغ کنند صادق نیستند، هم جریان اصلاحات با عدم تحمل منتقد و تمسخر مخالف نمره بالایی در آزادی نمی‌گرفت و هم حامیان محمود احمدی‌نژاد اگر ژرف‌تر به عملکرد مرادشان فکر کنند می‌بینند عدالتی که خط‌قرمزش کابینه است و عدالت‌خواهی که تنها پس از برخورد قضایی با حامیانش غلیان می‌کند و می‌تواند با فردی مثل مرتضوی ساخت و پاخت کند، صادقانه نیست. اما خب این دو جریان تفاوت‌هایی هم با هم دارند، واقعیت این است که جریان حامی احمدی‌نژاد در مسیر رادیکالیسم نوسفر و کم‌تجربه است، آنها خوب است به عاقبت رادیکالیسم در جریان اصلاحات نگاه کنند؛ جریان‌ی به پشتوانه مالی و رسانه‌ای و حامیان قدرتمند در بدنه حاکمیت که پس از رادیکالیسم دولتی در هشت سال و رویکرد تند در انتخابات ۸۸ مسیری جز انفعال نیافت. مسیری که امروز بدنه حامی احمدی‌نژاد می‌رود حداقل ۲۰ سال است توسط جماعتی طی شده، آنها امروز آغاز خطی هستند که عده‌ای پس از رسیدن به انتهایش به سرعت در حال دنده عقب گرفتن هستند، بدنه حامی احمدی‌نژاد اگر بنا ندارد فقط ماشین امضا باشد، بداند مسیری رادیکالیسم بن‌بست است و حداقل به این فکر کند که آیا ساواکی شدن در شب بیست‌ودوم بهمن عقلائی است؟



هر دوی این جریان‌ها در گفتگمانی که سعی کرده‌اند برای خود انحصاری تبلیغ کنند صادق نیستند، هم جریان اصلاحات با عدم تحمل منتقد و تمسخر مخالف نمره بالایی در آزادی نمی‌گیرد و هم حامیان محمود احمدی‌نژاد اگر ژرف‌تر به عملکرد مرادشان فکر کنند می‌بینند عدالتی که خط‌قرمزش کابینه است و عدالت‌خواهی که تنها پس از برخورد قضایی با حامیانش غلیان می‌کند و می‌تواند با فردی مثل مرتضوی ساخت و پاخت کند، صادقانه نیست

سیاست در نهضت آزادی که این خط و این مسیر را قبل از آنها رفته‌اند، امروز کجای عالم سیاست ایران هستند؟ آیا از تاک و تاک‌نشان شان نشانی هست؟ **نکته سوم** در اشتراک نظری و عملی این دو جریان در ایده جایگزینی است که به مردم معرفی می‌کنند، هر دو با زبان بی‌زبانی و انحصاری تبلیغ کنند صادق نیستند، هم موجود ما هستیم، اما از بد حادثه نه تنها هیچ کدام دیکته نانوشتند نیستند بلکه در وضع موجود اگر مدعی خرابی هستند بیشترین نقش را داشته‌اند.

جریان اصلاحات که جز هشت سال در ۳۰ سال اخیر تماما قوه مجریه را در تیول خود داشته جلور می‌تواند الترناتیو وضع موجود باشد؟ فصول این جریان به‌خوبی می‌داند که بخش‌هایی از اعتراضات دی‌ماه که ریشه اقتصادی داشت در افکار عمومی بی‌بروبرگرد به عملکرد دولت روحانی بازمی‌گردد، دولتی که با تکرار بر سر کار آمد.

پیمایش‌های علمی امروز نشان می‌دهد که بخش‌های غیرامنیتی اعتراضات دی ۹۶ دلیلی نداشته است جز فاصله میان وعده‌های اقتصادی روحانی در انتخابات با واقعیت‌های جامعه و امروز حامیان تکرار نمی‌توانند به‌راحتی حساب خود را از دولت روحانی سوا کنند. آنها برای این کار هم بحران تصمیم دارند و هم بحران اقدام.

از طرف دیگر کسانی که قلم‌فرسایی می‌کنند و بهشت برین را ایده‌های محمود احمدی‌نژاد معرفی می‌کنند خوب می‌دانند که روی کار آمدن دولت روحانی و احیای یک جریان سیاسی تقریبا مرده جز با سیاق دولنداری احمدی‌نژاد و خصوصا در چهارساله دوم ممکن نبود.

محمدبن سلمان و رویای امپراتوری



محمد بن سلمان، شاهزاده جوان سعودی اخیرا با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران هزینه‌های زیادی در راه انتشار افکار افراطی در منطقه کرده است، گفته: «ایران جزء پنج کشور بزرگ اسلامی در زمینه اقتصادی نیست و حجم اقتصاد عربستان چند برابر ایران و سرعت پیشرفت اقتصاد عربستان دو یا سه برابر ایران است. همچنین اقتصاد امارات، مصر و ترکیه بیشتر از ایران است و این امر در مساله ارتش نیز صدق می‌کند و ایران جزء پنج ارتش بزرگ خاورمیانه نیست.»

وی همچنین ادعا کرده است: «قبل از اینکه جمهوری اسلامی ایران اعلام نکند که سلاح هسته‌ای دارد، ما هیچ اقدامی انجام نمی‌دهیم و بدون شک ما ارتش خود را تجهیز خواهیم کرد، زیرا ما ارتشی قوی و مجهز داریم و اگر بخواهیم به حجم و کیفیت نگاه کنیم، می‌بینیم که عربستان بهترین ارتش را دارد.»

گلوله باران خودروی نماینده خوزستان در مجلس



خودروی شخصی حجت‌الاسلام مجید ناصری‌نژاد، نماینده‌شادگان در مجلس شورای اسلامی، پنجشنبه‌شب توسط افرادی ناشناس به رگبار گلوله بسته شد. این اقدام زمانی انجام شده که خودروی وی خالی از سرنشین بوده و به کسی آسیب نرسیده است. ناصری‌نژاد در توضیح این ماجرا گفته: «در زمان حادثه با برخی مسئولان در حوزه انتخابیه، میهمان یکی از دوستان بودیم که ناگهان صدای تیراندازی شدیدی شنیده شد، با مراجعه به خیابان متوجه شدیم که خودروی بنده و دیگر همراهان مورد تیراندازی قرار گرفته است.» او اظهار کرد: «وقوع سراح در استان مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده، از این رو باید جلوی رد و بدل شدن آن گرفته شود.» همچنین استاندار خوزستان شائبه تروریستی بودن این حادثه را منتفی دانسته و گفته است: «به احتمال زیاد این اقدام به‌خاطر مسائل شخصی بوده و نیروی انتظامی در حال بررسی موضوع و مظنونان است.»

نشست فوق‌العاده کمیسیون امنیت ملی مجلس درباره تهدیدات تلگرام



سیدحسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از برگزاری جلسه فوق‌العاده کمیسیون متبوعش با مسئولان فضای مجازی درباره بررسی تهدیدات تلگرام برای امنیت کشور خبر داد و گفت: «براساس هماهنگی‌های انجام شده با کمیسیون اقتصادی مقرر شده است اعضای دو کمیسیون امنیت ملی و اقتصادی مجلس، روز بیستم فروردین، جلسه مشترکی را با حضور وزیر ارتباطات و دبیر شورای عالی فضای مجازی برگزار کنند.» وی هدف از برگزاری این نشست مشترک را بررسی تهدیدهای اقتصادی شبکه تلگرام و ضرورت تأمین امنیت اطلاعات شخصی افراد در شبکه‌های پیام‌رسان داخلی عنوان کرد. پیش از این فیروزآبادی، دبیر شورای عالی فضای مجازی گفته بود که تلگرام به دنبال این است که در اقتصاد ایران تبدیل به یک شرکت واسطه‌ای شود که این موضوع باعث از بین رفتن مشاغلی مثل آژانس املاک و خودرو در کشور می‌شود.

دنیا به سخنان نامر بوط رئیس‌جمهور آمریکا عادت دارد



دکتر علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل با اشاره به صحبت‌های ضدایرانی ترامپ درباره حضور نظامی این کشور در سوریه، اظهار داشت: «امروز تمام مردم دنیا به حرف‌های نامربوط و توخالی ترامپ عادت دارند و سخنان رئیس‌جمهور آن کشور به واسطه تناقض‌گویی‌ها و حرف‌های غیرمنطقی‌اش معنایی ندارد.» وی با تاکید بر اینکه حوزه دفاعی ما پیشرفت‌های بسیاری داشته و ما برای دفاع از خودمان از کسی اجازه نمی‌گیریم، در واکنش به سخنان ترامپ مبنی بر حضور پررنگ‌تر نظامی این کشور در سوریه، افزود: «بیش از هفت سال است که آمریکا متعهدانش مانند رژیم صهیونیستی و عربستان به دنبال این هستند که حکومت قانونی سوریه را اشغال کنند اما نتوانسته‌اند.» ولایتی ادامه داد: «آمریکا و کشورهای دیگر جهان، جنگی علیه سوریه راه انداخته‌اند، اما امروز با سرشکستگی مواجه و مجبور به خارج شدن از این کشور شده‌اند.»

ظریف: سرنوشت نازنین زاغری فقط در دست قوه قضائیه است



زاغری تبعه ایرانی-انگلیسی است که ۱۵ فروردین سال ۱۳۹۵ در فرودگاه امام خمینی (ره) به جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام دستگیر شد. طبق گفته جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران، زاغری مسئول آموزش خبرنگاری آنلاین بی‌بی‌سی فارسی بوده که با هدف جذب و آموزش افرادی برای فعالیت تبلیغی علیه ایران اقدام کرده و چگونگی استفاده از ایمیل مستعار، استفاده از نرم‌افزارهای رمزنگاری مطالب و اطلاعات، از جمله مواردی است که در این آموزش‌ها لحاظ می‌شده است. لازم به ذکر است در ماه‌های اخیر مسئولان دولت انگلیس برای آزادی زاغری تلاش‌های زیادی کرده‌اند. حالا محمدجواد ظریف در گفت‌وگو با بخش عربی بی‌بی‌سی تاکید کرد: «دولت بریتانیا در پیگیری پرونده نازنین زاغری باید به استقلال قوه قضائیه ایران توجه کند؛ خیلی مهم است که بریتانیا حق حاکمیت و تصمیم‌های قضایی و سیاسی ایران را به رسمیت بشناسد.»